



دانش زبانی

ترکیبات منفی: گاهی با اضافه کردن صفت به یک اسم، ترکیب جدیدی ساخته می‌شود.

گسترش واژه 

جمله + زیبا ← جمله‌ی زیبا

دانش آموزان + ماهر ← دانش آموزان ماهر

به نمونه‌های زیر، توجه کنید:

 راه + مناسب = راه مناسب

 مکان + ناامن / خطرناک = مکان ناامن یا خطرناک

 شجاعت + اخلاقی = شجاعت اخلاقی

 لانه + زیبا = لانه‌ی زیبا

ترکیبات اضافی: گاهی با اضافه کردن اسمی به اسم دیگر، ترکیب جدیدی ساخته می‌شود.

سرانجام + کارساز ← سرانجام کار

شاهانه + فردوسی ← شاهانه فردوسی

حالا با توجه به نمودار زیر، در گروه، گفت و گو کنید.

واژه + ... + ...

انسان شریف = انسان + ـِ + شریف

صحنه‌ی نبرد = صحنه + ی + نبرد

شعله‌های آتش = شعله‌ها + ی + آتش

هنظامی که در پایان واژه‌ای حروف صدادار قرار داشته باشد و برای ترکیب با کلمه‌ای نیز به اضافه کردن حرف صدادار باشد به دلیل اینکه دو حرف صدادار در کنار هم قرار نمی‌گیرند، از ی میانجی استفاده می‌کنیم

گاهی می‌توانیم با افزودن یک یا چند واژه به یک واژه‌ی دیگر، عبارت‌ها و ترکیب‌های جدیدی ایجاد کنیم.



گوش کن و بگو



قصه «صدای سکه» را با دقت گوش دهید و سپس درباره‌ی پرسش‌های زیر، گفت و گو کنید.

کنید.

پرسش‌ها

۱ داستان با چه جمله‌هایی آغاز شده بود؟ *ملکی بود ملکی نبود غیر از خدا...* . سال‌ها پیش مردی بود...

۲ این داستان در چه مکان‌هایی اتفاق افتاده است؟ *بازار، جنظ*

۳ هنگام شکستن هیزم‌ها توسط هیزم‌شکن، مردی که به دنبال او بود، چه می‌گفت؟ *آه*

۴ هیزم‌شکن چه تصویری درباره‌ی مرد بیکار داشت؟ *او دیوانه است - چون وقتی او ضرب می‌زند،*

مرد بیکار آن می‌شد.

۵ چرا مرد بیکار از هیزم شکن تقاضای مزد کرد؟ مگر می‌کرد شریک او شده

۶ چرا مرد بیکار، هیزم شکن را نزد قاضی برد؟ خواست از او شکایت کند که چرا نمی‌ازند که با او ندادن است.

۷ قاضی پس از شنیدن سخنان آن مرد، از هیزم شکن خواست تا چه چیزی را به او بدهد؟ سکه‌ها را

۸ پس از آنکه قاضی سکه‌ها را بر زمین ریخت، مرد بیکار چه گفت؟ صدای سکه، مگر می‌شود به عنوان فرد،

۹ قاضی در پاسخ به پرسش مرد بیکار، که چرا به جای سکه باید صدای سکه نصیب او شود،

چه گفت؟ اگر برای تنگستن هیزم فقط آه کشیدی، پس فرزندش می‌شود صدای سکه، برو با صدای سکه هر چه

۱۰ محتوای این داستان، با کدام ضرب‌المثل، تناسب ندارد؟

الف) برو کار می‌کن، مگو چیست کار.

ب) مُزد آن گرفت جان برادر که کار کرد.

ج) از گوزه همان برون تراود که در اوست.

د) نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود.